

هر دانشی مشتمل بر گزاره‌هایی است که بیانگر عوارض ذاتی (احکام اختصاصی) موضوع آن دانش‌اند و مسائل آن دانش به‌شمار می‌روند؛ ولی آنچه در دانش مطرح می‌شود منحصر در مسائل نیست بلکه مباحث دیگری مانند موضوع، روش و پیشینه آن دانش نیز در آن مطرح می‌شود. لازم است مباحث قابل طرح در هر دانش دسته‌بندی شود و جایگاه طرح هر بخش روشن گردد. نیز بایسته است اگر ترتیبی منطقی یا تاریخی میان مسائل یک دانش وجود دارد شناسایی، و روشن شود که کدام مسئله باید مقدم و کدام مؤخر باشد. دسته‌بندی مباحث دانش علاوه بر تعیین جایگاه طرح هر مبحث و در نهایت نشان دادن ارتباط میان مباحث، در آموزش آن علم نیز مؤثر است و تقدم و تأخر مباحث را در روند آموزش روشن می‌کند.

در دانش علوم قرآن با گستره وسیعی از مسائل روبه‌رویم. این تنوع برخاسته از جوانب گوناگون موضوع آن یعنی قرآن کریم است. برای نمونه از آنجاکه قرآن دلیلی بر نبوت پیامبر اسلام ﷺ است، موضوع «اعجاز قرآن» می‌باشد و از آنجاکه درباره حوادث معینی است که در زمان پیامبر اکرم ﷺ روی داده‌اند، موضوع «اسباب نزول» است (ر.ک: حکیم، ۱۴۱۷، ص ۱۹-۲۱).

پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا ترتیب ویژه‌ای میان مباحث این دانش قابل تصویر است و می‌توان آنها را در دسته‌هایی مترتب بر هم جای داد یا آنکه هیچ ترتیب خاصی میان آنها وجود ندارد. ترکیب اضافی «علوم القرآن» (علوم قرآن) دارای سه کاربرد به قرار ذیل است:

۱. علوم قرآن به معنای عام که هر آنچه را به گونه‌ای با قرآن مرتبط باشد دربرمی‌گیرد. در این کاربرد، علوم ادبی، علم کلام، تفسیر و علوم پرشمار دیگری که از قرآن استنباط می‌شوند یا برای فهم آن به کار می‌آیند و یا قرآن را موضوع بررسی خویش قرار می‌دهند، از علوم قرآن برشمرده می‌شوند (زرقانی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۲۷؛ عتر، ۱۴۱۶، ص ۷)؛

۲. علوم قرآن به معنای عمومی که قرآن مشتمل بر آنهاست و از قرآن قابل استنباط است (عتر، همان)؛

۳. دانشی خاص که موضوع آن قرآن شریف است و از عوارض ذاتی (احکام اختصاصی) آن بحث می‌کند (ر.ک: صبحی صالح، ۱۹۹۰، ص ۱۰؛ صالحی کرمانی، ۱۳۶۹، ص ۱۸).

آنچه از علوم قرآن در این نوشته مورد نظر است، کاربرد سوم آن است و به علوم قرآن به مثابه یک دانش نگریسته می‌شود؛ ولی از آنجاکه اولاً علوم قرآن به معنای عام شامل علوم قرآن به معنای مورد نظر نیز می‌باشد و از سوی دیگر بیشتر دسته‌بندی‌های ارائه‌شده ناظر به علوم قرآن به معنای عام‌اند و از آنها

تنوع و تقسیم مباحث علوم قرآن

علی اوسط باقری / استادیار مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

bagheri@qabas.net

دریافت: ۱۳۹۴/۳/۱۹ - پذیرش: ۱۳۹۴/۸/۱۵

چکیده

هر دانشی دربردارنده مباحث متنوعی است و این تنوع در علوم قرآن به سبب تنوع ابعاد موضوع آن یعنی قرآن، گسترده‌تر است. آیا مباحث دانش علوم قرآن در دسته‌هایی مترتب بر هم قابل دسته‌بندی‌اند یا آنکه هیچ ترتیب خاصی بین آنها وجود ندارد و هیچ دسته‌بندی‌ای برای آنها متصور نیست؟ برای پاسخ به این پرسش، به روش توصیفی-تحلیلی، تنوع مباحث علوم قرآن در کتاب‌های قدیمی علوم قرآن مورد توجه قرار گرفته، دسته‌بندی‌هایی که محققان برای علوم قرآن به معنای عام و دانش علوم قرآن پیشنهاد کرده‌اند بررسی شده و در نهایت برای رفع نواقص دسته‌بندی‌های پیشنهادی، دسته‌بندی جدیدی ارائه شده است. مباحث مطرح در علوم قرآن در دسته‌های ذیل قرار می‌گیرند: ۱. مباحث مقدماتی، ۲. مباحث مربوط به شناخت ماهیت، ویژگی‌ها و اوصاف قرآن، ۳. تاریخ قرآن، ۴. مباحث مربوط به الفاظ قرآن، ۵. مباحث مربوط به فهم و تفسیر قرآن، و ۶. مباحث مربوط به ترجمه قرآن.

کلیدواژه‌ها: علوم قرآن، تقسیم مباحث علوم قرآن، تنوع مباحث علوم قرآن، مبادی علوم قرآن، مسائل علوم قرآن.

می‌توان در دسته‌بندی مباحث علوم قرآن به معنای دانش علوم قرآن نیز بهره جست، به دسته‌بندی‌های ناظر به علوم قرآن به معنای عام نیز توجه کرده‌ایم.

در برخی کتاب‌های قدیمی علوم قرآن تلاش شده دسته‌بندی ویژه‌ای برای طرح مسائل مختلف علوم قرآن لحاظ شود. برخی از محققان نیز دسته‌بندی‌هایی برای علوم قرآن ارائه کرده‌اند که به دو گونه‌اند: بیشتر آنها ناظر به علوم قرآن به معنای عام و برخی ناظر به علوم قرآن به عنوان یک دانش هستند.

در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، پس از بررسی دسته‌بندی مباحث علوم قرآن در کتاب‌های قدیمی، و دسته‌بندی‌های جدید ناظر به علوم قرآن به معنای عام و دانش علوم قرآن، دسته‌بندی پیشنهادی خود را بیان خواهیم کرد. از آنجاکه در مهم‌ترین کتاب‌های جامع و قدیمی علوم قرآن برای فصل‌بندی مباحث علوم قرآن از تعبیر «نوع» استفاده شده است، در این مقاله نیز دربارهٔ مسائل علوم قرآن گاه از تعبیر تنویع استفاده می‌شود و به همین مناسبت در عنوان مقاله نیز از تعبیر تنویع بهره گرفته‌ایم.

هرچند برخی محققان به دسته‌بندی مباحث دانش علوم قرآن همت گماشته‌اند، از آنجاکه دربارهٔ آنها ملاحظاتی به نظر می‌رسد، و نیز به این دلیل که اصل دسته‌بندی مباحث هر دانش برای تعیین ترتیب مسائل و مباحث آن ضروری است، دقت و بررسی این امر ضروری می‌نماید؛ به‌ویژه آنکه برخی از اندیشمندان که کتاب‌های پرشماری در حوزهٔ علوم قرآن نگاشته‌اند، تصریح کرده‌اند که «میان مسائل علوم قرآنی نوعاً یک نظم طبیعی برقرار نیست تا رعایت ترتیب میان آنها ضروری گردد؛ لذا هر مسئله جدا از مسائل دیگر قابل بحث و بررسی است» (معرفت، ۱۳۷۸، ص ۸). حال باید دید مطلب همان‌گونه است که این اندیشمند محترم ابراز کرده‌اند یا آنکه دست‌کم مسائل علوم قرآن را می‌توان در دسته‌هایی که میان آنها ترتیبی منطقی یا تاریخی وجود دارد، قرار داد، هرچند نتوان برای طرح مسائل مندرج در هر دسته، ترتیب خاصی لحاظ کرد. شناسایی دسته‌بندی مباحث علوم قرآن علاوه بر اینکه در تعیین جایگاه منطقی هر دسته و در نهایت به وجود آمدن انسجام میان مباحث این دانش نقش دارد، در امر آموزش مباحث این دانش نیز تأثیرگذار است و سیر منطقی آموزش مباحث آن را مشخص می‌کند.

برخی مباحث علوم قرآن منطقی‌تأخر از برخی دیگرند. برای نمونه پرداختن به مباحث مربوط به تفسیر قرآن پیش از اعجاز قرآن و اثبات از سوی خدا بودن آن و نیز اصالت متن موجود، بی‌معناست؛ زیرا مفسر قرآن در پی تفسیر کتابی است که از سوی خدا بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شده است، و در علوم قرآن قواعد فهم چنین کتابی بیان می‌شود. بدین‌سان دسته‌بندی مباحث علوم قرآن امری ضروری است؛ زیرا تقدم و تأخر آنها از این رهگذر مشخص می‌شود.

دربارهٔ پیشینهٔ این پژوهش باید گفت برخی درصدد برآمده‌اند تا دسته‌بندی مباحث دانش علوم قرآن در کتاب‌های قدیمی و جدید علوم قرآن را گزارش کنند (نصیری، ۱۳۸۵؛ فتح‌الهی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۲-۱۹۲)؛ اما گزارش کاملی ارائه نکرده و به طور طبیعی قوت و کاستی‌های آنها را مورد توجه قرار نداده‌اند. در این پژوهش تلاش شده همهٔ دسته‌بندی‌هایی که ارائه شده‌اند یا از ترتیب مباحث در کتاب‌های علوم قرآن قابل استنباط‌اند شناسایی، گزارش و تحلیل شوند.

حاصل این پژوهش آن است که مباحث دانش علوم قرآن به دسته‌هایی تقسیم‌پذیرند که در میان آنها ترتیبی منطقی یا تاریخی حاکم است؛ هرچند در طرح مسائل درون هر دسته در بیشتر موارد ترتیب ویژه‌ای وجود ندارد.

نخستین تنویع مباحث علوم قرآن توسط امیر المؤمنین علیه السلام

تنویع نخست مباحث علوم قرآن را امیرالمؤمنین علی علیه السلام انجام داده است. آن حضرت در روایتی طولانی که محمد بن ابراهیم نعمانی (معروف به ابن‌زینب) (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۳۸۳، ش ۱۰۴۳) آن را به چند طریق نقل نموده، بخشی از مباحث علوم قرآن را بیان، و برای هر کدام مثالی ذکر کرده است.

علامه مجلسی رحمته الله همهٔ این مجموعه را در *کتاب القرآن* نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۱-۹۷). از این مجموعه به اعتبار راوی آن به *تفسیر نعمانی* یاد می‌شود. سیدحسن صدر نقش برجستهٔ امام علی علیه السلام را در تنویع علوم قرآن چنین توضیح می‌دهد:

واما سائر انواع علوم القرآن فاوّل من نوعها وقسمها فهو علی امیرالمؤمنین املی ستین نوعاً من انواع علوم القرآن و ذکر لكل نوع مثلاً یخصه وهو فی کتاب نرویه من عدة طرق موجودة بابدینا الی الیوم... وهو الاصل لكل من كتب فی علوم القرآن (صدر، بی‌تا، ص ۳۱۸، ۳۳۳ و ۳۳۴؛ همو، ۱۳۳۱، ص ۲۵).

همهٔ مطالب مجموعهٔ یادشده مربوط به دانش علوم قرآن نیست. تقریباً نیمی از عناوین آن مباحث علوم قرآن و نیمی دیگر مطالب دیگری چون رد نصارا، رد منکر معراج و رد منکر رجعت است. در حقیقت حضرت در این مجموعه علاوه بر طرح مباحثی دربارهٔ قرآن که موجب شناخت آن می‌شود، برخی معارف قرآن در زمینه‌های مختلف را نیز مطرح فرموده و نیز وجوه معنایی برخی واژه‌های قرآن همانند وحی و کفر را بیان کرده است.

این مجموعهٔ دربردارندهٔ چهارده مبحث از مباحث علوم قرآن است. ناسخ و منسوخ، نخستین سورهٔ مکی و مدنی، آیاتی که لفظشان خاص ولی معنایشان عام است، آیاتی که لفظشان عام ولی معنایشان خاص است، محکم و متشابه، وجوه و نظایر و تأویل و تنزیل،

برخی از مباحث علوم قرآنی این مجموعه‌اند.^۱ در این روایت ترتیب ویژه‌ای در بیان مباحث علوم قرآنی لحاظ نشده؛ بلکه امام علیه السلام به تناسب پرسش راوی یا پرسش‌های حاضران در جلسه به ذکر برخی مسائل علوم قرآنی اقدام فرموده است.

دسته‌بندی مباحث علوم قرآن در کتاب‌های قدیمی علوم قرآن

کتاب‌های علوم قرآنی را از نظر شمول مباحث می‌توان در سه گروه جای دارد:

۱. تک‌نگاری‌ها که تنها یک بحث از مباحث علوم قرآن را دربردارند؛
۲. کتاب‌های نسبتاً جامع که چندین مبحث علوم قرآنی را در خود جای داده‌اند؛
۳. کتاب‌های جامع که تلاش شده تا همه مباحث علوم قرآنی مطرح زمانه را دربر داشته باشند.

روشن است که بررسی دسته‌بندی مباحث تنها در دو دسته اخیر موضوعیت دارد. در ادامه دسته‌بندی مباحث علوم قرآن در این دو دسته را به ترتیب تاریخی پی می‌گیریم. در برخی کتاب‌هایی که در دو دسته اخیر قرار می‌گیرند، صرفاً مباحث دانش علوم قرآن تحت عنوان «نوع» و بدون لحاظ دسته‌بندی ویژه‌ای مطرح شده است؛ ولی به سبب جایگاه ویژه‌ای که در میان کتاب‌های علوم قرآن دارند، تنویع آنها را هرچند دسته‌بندی خاصی بر آن حاکم نیست مد نظر قرار داده‌ایم. نیز در برخی کتاب‌های نسبتاً جامع، خود نویسنده دسته‌بندی خاصی را مطرح نکرده، ولی با لحاظ ترتیب مباحث می‌توان دسته‌بندی‌ای را استنباط کرد. این کتاب‌ها را نیز از نظر دور نداشته‌ایم.

الف. دسته‌بندی «فضائل القرآن» ابوعبید قاسم بن سلام هروی (م ۲۲۴ق)

فضائل القرآن ابوعبید نخستین کتاب نسبتاً جامع علوم قرآنی است و آن را «باید از آغازین کوشش‌های جدی برای جمع و تدوین بخشی از عناوین علوم قرآنی تلقی کرد» (مهدوی راد، ۱۳۷۹، ص ۳۰). این کتاب دارای ۶۸ باب است. وی مباحث مطرح شده در این ابواب را ذیل پنج عنوان دسته‌بندی کرده است. در ادامه این عناوین و برخی از ابوابی را که ذیل آنها آمده است بیان می‌کنیم.

۱. کتاب «فضل القرآن و معالمه و آدبه» که مشتمل بر هشت باب و بیانگر روایاتی در باب فضیلت تعلیم و تعلم قرآن، شناخت معارف قرآن، قرائت قرآن، عمل به قرآن و تکریم اهل قرآن از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و صحابه و تابعان است؛^۲

۲. «جملة ابواب قراء القرآن و نعوتهم و أخلاقهم» که مشتمل بر ۲۳ باب است و روایات بیانگر برخی آداب و مستحبات قرائت قرآن را دربر دارد؛

۳. «جماع ابواب سور القرآن و آیاته وما فیها من الفضائل» که بیانگر روایات مربوط به فضیلت آیات و سوره‌های قرآن، و مشتمل بر ۱۷ باب است؛

۴. «جماع احادیث القرآن و اثباته فی کتابه و تألیفه و اقامة حروفه» که در ۱۴ باب، روایات مربوط به جمع قرآن، رسم‌النخط قرآن، اقسام و اژه‌های قرآن و غیره را دربر دارد؛

۵. «جماع ابواب المصحف و ما جاء فیها مما یؤمر به و ینهی عنه» که در ۶ باب، روایات مرتبط با برخی مباحث فقهی مربوط به قرآن همانند خرید و فروش مصحف و نیز برخی روایات بیانگر برخی تقسیمات قرآنی را شامل می‌شود.

نقد و بررسی

درباره کتاب **فضائل القرآن** و دسته‌بندی مطالب در آن چند نکته قابل ذکر است:

۱. به همه مسائل علوم قرآنی نپرداخته و بیشتر مباحث آن درباره فضایل مجموع قرآن، فضایل سوره‌ها و آیات است؛
۲. برخی بحث‌های کتاب مانند استحباب گریه هنگام قرائت قرآن (ابن‌سلام، همان، ص ۱۴۰-۱۳۵)، کراهت مباحثات به قرائت قرآن (همان، ص ۲۱۴-۲۱۱)، حکم فروش مصحف (همان، ص ۳۹۲-۳۸۹)، و حکم تزئین مصحف به طلا و نقره (همان، ص ۳۹۸-۳۹۶) از مباحث فقهی مرتبط با قرآن هستند و در حیطه دانش فقه قرار می‌گیرند.

ب. ترتیب مباحث کتاب «فنون الافنان» ابن جوزی (م ۵۹۷ق)

فنون الأفنان فی عیون علوم القرآن به خامه ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن جوزی مورخ، مفسر، واعظ و فقیه حنبلی مذهب (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳، ج ۳، ص ۲۶۲. نیز ر.ک: استادی، ۱۳۸۳، ص ۳۱۳)، در ۱۴ باب مباحث متنوعی از دانش علوم قرآن را دربر دارد. ابن جوزی بیشتر به مباحث مربوط به الفاظ قرآن پرداخته و به بحث‌های مرتبط با قرآن به لحاظ معنای آن اهتمامی نورزیده است. هرچند وی دسته‌بندی ویژه‌ای را برای مباحث مطرح نکرده، ظاهراً در نظر داشته ترتیب طبیعی میان مباحث را به قرار ذیل مراعات کند:

۱. مباحث مربوط به کل قرآن: ابواب اول تا سوم (فضیلت تعلیم و تعلم قرآن، قدیم بودن قرآن، نزول قرآن بر هفت لهجه) درباره کل قرآن هستند؛
۲. کتابت مصحف: باب چهارم (کتابه المصحف و هجائه) در باب نگارش قرآن است؛

۳. شناخت‌هایی درباره الفاظ و تقسیمات قرآن: ابواب پنجم تا دهم (تعداد سوره‌ها، آیات، کلمات، حروف و نقطه‌های قرآن، اجزای قرآن، تعداد آیات سوره‌ها، سوره‌هایی که تعداد آیاتشان یک‌سان است، سوره‌های مکی و مدنی و کلمات غیرعربی در قرآن) مشتمل بر اطلاعاتی درباره الفاظ قرآن کریم و نیز برخی دسته‌بندی‌های قرآنی‌اند؛

۴. وقف و ابتدا: باب یازدهم قواعد وقف و ابتدا، اقسام وقف و مواضع هر کدام را دربر دارد که پس از بیان مباحث مربوط به الفاظ و تقسیمات قرآن از جایگاهی طبیعی برخوردار است؛

۵. تشابه لفظی: این جوزی در ادامه ذیل عنوان «ابواب المتشابه» که مشتمل بر هفت باب است، در باب نخست به ترتیب سوره‌های قرآن جمله‌هایی را که تنها یک بار در قرآن به کار رفته‌اند ذکر، و در شش باب دیگر جمله‌ها و آیات همسان (متشابه لفظی) را بررسی و تعداد و مواضع کاربرد آنها را بیان کرده است.

نقد و بررسی

در زمینه مباحث کتاب *فنون الافنان* و ترتیب آن نکاتی درخور توجه است:

۱. خود وی دسته‌بندی خاصی را ارائه نکرده و دسته‌بندی یادشده استنباط نگارنده است؛

۲. در باب ۱۲ (الیاءات المحذوفات) مواردی از آیات که در آنها «ی» حذف شده، بیان می‌گردد و چند قاعده در این زمینه ارائه می‌شود. این باب در جایگاه طبیعی خود قرار نگرفته است و مناسب بود پس از «کتابه المصحف» قرار گیرد؛

۳. بهتر بود بخش «ابواب المتشابه» ذیل ابواب مربوط به الفاظ و تقسیمات قرآن قرار گیرد و پیش از باب مربوط به واژگان غیرعربی در قرآن ذکر شود؛

۴. باب ۱۴ (الاولیاء التي شارکت امتنا فیها الانبیاء) که بیانگر اوصاف امت اسلام در قرآن و بررسی نسبت آنها با اوصاف ابراهیم خلیل، موسی کلیم‌الله و پیامبر اسلام است، اساساً بحث علوم قرآنی نیست.

ج. تتویع مسائل علوم قرآنی در «البرهان» زرکشی (م ۷۹۴ق)

البرهان فی علوم القرآن، تألیف بدرالدین محمدبن عبدالله زرکشی یکی از مهم‌ترین و جامع‌ترین کتاب‌های علوم قرآنی، و مشتمل بر ۴۷ نوع است. در این کتاب دسته‌بندی و ترتیب خاصی در بیان مباحث حاکم نیست. زرکشی در نوع نخست از «معرفة سبب النزول»

سخن گفته و بدون اینکه مباحث مربوط به نزول قرآن را کامل کند، در نوع دوم به بررسی مناسبات بین آیات پرداخته است. وی در نوع سوم، شناخت فواصل آیات را وجهه همت خویش قرار داده و ناگهان به کاربردهای پرشمار معنایی برخی واژگان قرآن (نوع ۴: معرفة الوجوه والنظائر) را ذکر کرده است. او در نوع هفتم و هشتم به ترتیب از اسرار فواتح و خواتم سوره سخن گفته و پس از بحث از مکی و مدنی (نوع ۹)، نخستین آیه و سوره‌ای را که نازل شده (نوع ۱۰) بررسی کرده است؛ درحالی‌که ترتیب طبیعی اقتضا می‌کند پیش از این مباحث، مباحث مربوط به نزول قرآن از ساحت ربوبی و کیفیت نزول قرآن بیان شود؛ ولی وی بدون اتمام مسائل مربوط به آن مباحث دیگری را مطرح ساخته و در نوع ۱۲ به کیفیت انزال قرآن پرداخته است.

ظاهراً زرکشی ترتیب ویژه‌ای را مد نظر نداشته است و صرفاً کوشیده هر آنچه را در دانش علوم قرآن جای می‌گیرد بیان کند. در هر حال نه خود وی به دسته‌بندی و ترتیب ویژه‌ای اشاره کرده و نه مباحثی را که مطرح شده می‌توان دارای ترتیبی خاص ارزیابی کرد.

د. دسته‌بندی «مواقع العلوم من مواقع النجوم» بلقینی (م ۸۲۴ق)

جلال‌الدین بلقینی در *مواقع العلوم من مواقع النجوم* که کتابی نسبتاً جامع در علوم قرآن است، مباحث گوناگون علوم قرآن را در شش بخش دسته‌بندی کرده است که عبارت‌اند از:

۱. مواطن النزول و أوقاته و وقائعه: شامل ۱۲ نوع: مکی، مدنی، سفری، حضری، لیلی، نهاری، صیفی، شتائی، فراشی، اسباب النزول، اول ما نزل؛ آخر ما نزل

۲. السند: شامل ۶ نوع: متواتر، آحاد، شاذ، قرائات النبی ﷺ، راویان، و حافظان قرآن؛

۳. الاداء: دربردارنده شش نوع درباره قواعد وقف و ابتدا و برخی قواعد تجویدی؛

۴. الالفاظ: مشتمل بر هفت نوع در بیان اقسام الفاظ قرآن که عبارت‌اند از: غریب، معرّب، مجاز، مشترک، مترادف، استعاره و تشبیه؛

۵. المعانی المتعلقة بالاحکام: شامل ۱۴ نوع درباره اموری که برای استنباط احکام از قرآن شریف، توجه به آنها ضروری است. العام الباقي علی عمومه، العام المخصوص، العام الذی ارید به الخصوص و ما خص فیه الكتاب السنة، عناوین برخی از انواع این بخش هستند؛

۶. المعانی المتعلقة بالالفاظ: شامل پنج بحث فصل، وصل، ایجاز، اطناب و قصر، که از مباحث بلاغی مربوط به قرآن شریف است.

نقد و بررسی

۱. در بخش‌های اول تا چهارم ترتیب طبیعی مراعات شده است؛ زیرا وقتی کتابی از ساحت ربوبی نازل شده، نخست باید درباره نزول آن سخن گفت و سپس باید این امر را بررسی کرد که آنچه از سوی خدای سبحان نازل شده به چه صورت به دیگران روایت شده و از چه طریقی در اختیار آنها قرار گرفته است. پس از آن نوبت به نحوه خواندن آن کتاب می‌رسد و سپس نوبت ذکر اقسام الفاظ آن است؛

۲. بخش ششم در جایگاه مناسبی قرار نگرفته و مناسب بود پس از بخش «الفاظ» قرار گیرد؛ چراکه معانی مرتبط با الفاظ قرآن است؛

۳. بلقینی خود به نقص دسته‌بندی کتابش اذعان کرده، پس از بیان عناوین مباحث امر ششم می‌نویسد: «بذلک تکملت الانواع خمسین ومن الانواع ما لا یدخل تحت الحصر: کالاسماء والکنی والالقب والمبهمات» (رک: بلقینی، بی تا، ص ۲۸ و ۲۹).

وی اسما، کنی و القاب را به عنوان نوع ۵۱ و المبهمات را به عنوان نوع ۵۲ مطرح می‌سازد و بدین سان کتابش دارای ۵۲ نوع است.

هـ. تنوع علوم قرآن در «التحجیر» و «الاتقان» سیوطی

دو کتاب جامع التحجیر فی علم التفسیر و الاتقان فی علوم القرآن از جمله کتاب‌های علوم قرآنی جلال‌الدین عبدالرحمن بن کمال‌الدین السیوطی (م ۹۱۱ق) هستند.

التحجیر فی علم التفسیر

سیوطی التحجیر را در تکمیل مواقع العلوم بلقینی نگاشت (رک: سیوطی، ۱۳۶۳، ص ۱۹ و ۱۷). وی در این کتاب هر چند بخش‌بندی بلقینی را ذکر نکرده، در عمل از همان پیروی کرده است. وی در مجموع ۵۰ نوع بر انواع کتاب بلقینی افزوده است (سیوطی، ۱۴۲۱، ص ۲۹).

سیوطی در آغاز انواعی که بر مواقع العلوم افزوده است، با تعابیری چون «هذا النوع من زیادتی» به آنها اشاره می‌کند و در مواردی تعجب خود را از نپرداختن بلقینی به آنها ابراز می‌دارد. گاه نیز عذری را که بلقینی برای نپرداختن به موضوعی آورده، ذکر و نقد می‌کند (برای نمونه ر. ک: سیوطی، ۱۴۲۱، انواع ۲۰، ۴۴).

از آنجاکه سیوطی در التحجیر از دسته‌بندی بلقینی تبعیت کرده، اشکالاتی که به دسته‌بندی وی وارد بود بر ترتیب مباحث در التحجیر نیز وارد است.

الاتقان فی علوم القرآن

سیوطی الاتقان را پس از التحجیر و به منظور تفصیل مباحث آن نگاشته است. وی پیش از نگارش الاتقان به البرهان زرکشی دست یافت و آن را دستمایه کار و منبع اصلی تألیف الاتقان قرار داد (سیوطی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۹).

الاتقان دارای ۸۰ نوع است و سیوطی ظاهراً در آن نیز تقسیم‌بندی بلقینی را مد نظر قرار داده است. ۱۶ نوع نخست، مباحث مربوط به نزول قرآن هستند که در بخش نخست تقسیم بلقینی قرار می‌گیرند. سیوطی پس از انواع هفدهم (شناخت اسمای قرآن و اسامی سوره‌ها)، هجدهم (جمع‌آوری و تدوین قرآن) و نوزدهم (تعداد سوره‌ها، آیات، کلمات و حروف قرآن)، انواعی را که بلقینی در بخش دوم جای داده بود ذکر می‌کند و به همین ترتیب پیش می‌رود.

نقد و بررسی

از آنجاکه سیوطی انواع پرشماری بر مواقع العلوم افزوده، باید آنها را به گونه مناسب در بخش‌های شش‌گانه مواقع العلوم جای می‌داد؛ ولی در مواردی آنها را در جایگاه مناسب مطرح نکرده است. مثلاً مناسب بود بحث رسم‌الخط قرآن را پس از جمع و تدوین قرآن (نوع ۱۸) ذکر کند، ولی وی نوع ۷۶ را به آن اختصاص داده است. نیز مناسب بود اعجاز قرآن را پیش از مباحث مربوط به نزول قرآن مطرح می‌کرد؛ چراکه پس از اثبات از سوی خدا بودن قرآن که در مبحث اعجاز صورت می‌گیرد، این پرسش مطرح می‌شود که قرآن چگونه از ساحت ربوبی بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است؛ ولی وی در نوع ۶۴ که پس از مباحث ذیل اقسام شش‌گانه بلقینی است به بررسی اعجاز قرآن پرداخته است.

بدین سان در الاتقان دسته‌بندی جدیدی ارائه نشده و حتی تلاش نشده مباحثی که افزون بر مواقع العلوم است، طبق تقسیم بلقینی در جایگاهی مناسب قرار گیرد.

دسته‌بندی‌های جدید علوم قرآن

در قرن اخیر دسته‌بندی‌هایی از علوم قرآن ارائه شده است که بیشتر آنها ناظر به علوم قرآن به معنای عام است. البته در قلمرو علوم قرآن به معنای عام آن میان اندیشمندان اختلاف وجود دارد. برخی قلمرو این علوم را به قدری گسترش داده‌اند که علوم ادبی همچون دانش لغت و علوم بلاغی را نیز جزو علوم قرآن شمرده‌اند؛ ولی برخی دایره آن را چندان گسترده ندیده‌اند و تنها از این جهت که تفسیر را نیز در علوم قرآن جای داده‌اند، تقسیم‌بندی‌شان ناظر به علوم قرآن به معنای عام تلقی شده است. قسم اخیر به

دسته‌بندی‌های ناظر به علوم قرآن به عنوان یک دانش بسیار نزدیک است. در ادامه این دسته‌بندی‌ها را در دو بخش ذکر کرده، در پایان دسته‌بندی پیشنهادی خود را بیان خواهیم کرد.

دسته‌بندی‌های ناظر به علوم قرآن به معنای عام

چهار دسته‌بندی از علوم قرآن در شمار دسته‌بندی‌های ناظر به علوم قرآن به معنای عام قرار می‌گیرد.

۱. دسته‌بندی بر اساس ارتباط‌های گوناگون با قرآن

برخی اندیشمندان با عنایت به اینکه علوم قرآن به معنای عام هر دانشی را که به گونه‌ای با قرآن مرتبط باشد دربرمی‌گیرد با توجه به گونه‌های مختلف ارتباطی که برای علوم قرآن با قرآن متصور است به دسته‌بندی علوم قرآن اقدام کرده‌اند.

نورالدین عتیر و محمد واعظزاده خراسانی سه نوع ارتباط را میان علوم قرآن و قرآن تصویر کرده و بر اساس آن علوم قرآن را بر سه قسم دانسته‌اند:

۱. علمی که در خدمت قرآن‌اند و مفسر را در نیل به معارف آن کمک می‌کنند؛

۲. علمی که قرآن را موضوع بحث قرار داده، درباره آن بحث می‌کنند؛

۳. علمی که از قرآن استنباط می‌شوند (عتیر، ۱۴۱۶، ص ۷).

نورالدین عتیر تفسیر، اعراب القرآن، قرائات، رسم‌الخط عثمانی، اعجاز قرآن و همه علوم دین و لغت و بلاغت را بدون آنکه مشخص کند ذیل کدام بخش از بخش‌های سه‌گانه مزبور قرار می‌گیرند، به منزله نمونه‌هایی از علمی که ذیل عنوان علوم قرآن قرار می‌گیرند ذکر کرده است (همان).

واعظزاده خراسانی سه قسم مزبور را به ترتیب با تعابیر «علوم للقرآن»، «علوم فی القرآن» و «علوم حول القرآن» شناسانده است (موسوی دارابی، ۱۳۸۰، ص ۹). ایشان «علوم للقرآن» را همه علمی معرفی می‌کند که برای خدمت به قرآن و فراهم آوردن زمینه فهم معارف آن یا نیل به کنه جوانب دیگر قرآن پدید آمده‌اند (همان، ص ۱۰). از این جمله است: علم صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، و لغت که واعظزاده خدمت هرکدام را به ساحت قرآن، تبیین می‌کند (همان، ص ۱۴-۱۰).

«علوم فی القرآن» علمی‌اند که «از قرآن استنباط می‌شوند و به گونه‌ای مفهومی از مفاهیم قرآن را تبیین می‌کنند و اهداف آن را شرح می‌دهند» (همان، ص ۱۴). انواع تفاسیر، علم فقه، علم کلام، علم اخلاق و به صورت کلی تمام علوم شرعی‌ای که به گونه‌ای از قرآن استخراج می‌شوند داخل در «علوم فی القرآن» هستند (همان). واعظزاده با استناد به عبارت شریف «وَتَزَكِّيْنَاكَ الْكِتَابَ تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل: ۸۹) می‌نویسد: «و شاید بتوان گفت این علوم نامحدود هستند» (همان).

ایشان «علوم حول القرآن» را دانش‌هایی می‌شناساند که قرآن را محور و موضوع بحث و تحقیق قرار داده‌اند (همان، ص ۱۵).

نقد و بررسی

۱. این دسته‌بندی بسیار کلی است و در آن علوم و مباحث مختلفی که ذیل اقسام سه‌گانه قرار می‌گیرند دسته‌بندی نشده است و به تبع هیچ دسته‌بندی خاصی درباره مباحث دانش علوم قرآن (علوم حول القرآن) ارائه نشده است؛

۲. از توضیحات استاد واعظزاده در معرفی «علوم فی القرآن» و مثال‌هایی که برای این قسم ذکر کرده، چنین به نظر می‌رسد که ایشان هر دانشی را که قرآن یکی از منابع آن باشد، از مصادیق «علوم فی القرآن» برمی‌شمارد؛ ولی این معیار درخور مناقشه است؛ زیرا اگر به صرف اینکه قرآن یکی از منابع یک دانش باشد، آن را از علوم قرآن بشماریم، باید به اعتبار دیگر منابع، آن را منتسب به علوم دیگری هم بدانیم؛ مثلاً به لحاظ اینکه یکی از منابع اخلاق اسلامی، حدیث است، باید علم اخلاق را از علوم حدیث نیز شمرد و چون در دانش کلام نیز از حدیث بهره گرفته می‌شود، باید دانش کلام را نیز از علوم حدیث به‌شمار آورد. ظاهراً ایشان تعبیر علم در «علوم فی القرآن» را به معنای منظومه معرفتی گرفته است؛ درحالی‌که علم به معنای گزاره معرفت‌بخش نیز به کار می‌رود و در «علوم فی القرآن»، مراد از علم آموزه‌ها و معارفی است که قرآن شریف مشتمل بر آنهاست که این آموزه‌ها ممکن است در زمینه اخلاق، کلام، فلسفه، علوم تجربی و غیره باشد. روشن است که از نگاه کسی که قرآن را وحی الهی و مصون از هر خطایی می‌داند، در زمینه علوم تجربی می‌توان از آموزه‌های قرآن بهره جست و قرآن را یک منبع برای علوم تجربی تلقی کرد؛ ولی به صرف وجود برخی مطالب در زمینه مثلاً زمین‌شناسی نمی‌توان دانش زمین‌شناسی را از علوم قرآن به‌شمار آورد؛

۳. استاد واعظزاده مباحث مربوط به تاریخ قرآن و اسالیب تفسیر و مدارس تفسیری را به این دلیل که ذیل عنوان مستقل «تاریخ القرآن» و «اسالیب التفسیر والمدارس التفسیریة» در دانشگاه‌های مختلف یک ماده مستقل درسی گشته، از علوم قرآن خارج دانسته است (موسوی دارابی، ۱۳۸۰، ص ۱۶)؛ ولی این سخن درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا تنها به این دلیل که چند مبحث یک دانش تحت عنوانی کلی قرار گیرند و به عنوان یک ماده مستقل درسی در مراکز آموزشی لحاظ شوند، آن مباحث از آن دانش خارج نمی‌شوند. برای مثال مبحث منصوبات در دانش نحو بحث‌های مختلفی از دانش نحو را دربر می‌گیرد و

ممکن است در مراکز علمی دانشگاهی و غیر آن، ماده‌ی درسی مستقل تلقی شود؛ ولی این به معنای جدا شدن آن بخش از دانش نحو نیست.

۲. تقسیم بر اساس ارتباط با الفاظ و معانی قرآن

علامه طباطبایی مباحثی را که ذیل عنوان علوم قرآن قرار می‌گیرند، به دو دسته تقسیم کرده است (طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۱۰۸ و ۱۰۹):

۱. علمی که درباره‌ی الفاظ قرآن بحث می‌کنند

الف. فن تجوید که «در کیفیت تلفظ به حروف تهجی و حالات و عوارضی که حروف تهجی در لغت عرب در میان الفاظ مفردة و مرکبه پیدا می‌کند مانند ادغام و تبدیل حروف و احکام وقف و ابتدا و نظائر آن بحث می‌نماید» (همان، ص ۱۰۹)؛

ب. فن قرائت که «به ضبط و توجیه قرائت‌های هفت‌گانه معروف و قرائت‌های سه‌گانه دیگر و قرائت‌های صحابه و شواذ قرائت‌ها می‌پردازد» (همان)؛

ج. «فنی [که] عدد سور و آیات و کلمات و حروف آنها و آیات و کلمات و حروف همه قرآن را احصا می‌کند» (همان)؛

د. «فنی [که] در خصوص رسم خط خاص قرآن مجید و اختلافاتی که با رسم خط عربی معمول دارد سخن می‌گوید» (همان).

۲. علمی که درباره‌ی معانی قرآن بحث می‌کنند

علامه فنون ذیل را در این بخش برمی‌شمارد:

الف. «فنی که از کلیات معانی آیات مانند تنزیل و تأویل و ظاهر و باطن و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ قرآن کنجکاو می‌کند» (همان)؛

ب. «فنی که در آیات احکام بحث می‌نماید و در حقیقت شعبه‌ای از فقه اسلامی است» (همان)؛

ج. «فنی که از معانی خصوص آیات قرآنی سخن می‌گوید و به نام تفسیر قرآن نامیده می‌شود» (همان).

نقد و بررسی

۱. در این تقسیم‌بندی، علوم قرآن قطعاً به معنای دانش علوم قرآن مقصود نیست؛ زیرا در آن تفسیر آیات فقهی (آیات الاحکام) که به تعبیر علامه شعبه‌ای از فقه اسلامی است، و تفسیر آیات

غیرفقهی از علوم قرآن شمرده شده است. همچنین علوم قرآن به معنای خصوص معارف قرآن مراد نیست؛ چراکه در آن به غیرتفسیر هم پرداخته شده است. در نتیجه باید مقصود ایشان کاربرد عام علوم قرآن باشد؛

۲. مباحث علوم قرآن به معنای عام منحصر در مواردی که علامه در این تقسیم ذکر کرده نیست. در این تقسیم به علمی که در خدمت قرآن‌اند (علوم للقرآن) هیچ عنایتی نشده است؛

۳. این تقسیم دربردارنده همه مباحث علوم قرآن به معنای یک دانش نیز نیست؛ زیرا جایگاه مباحث مهمی مانند اعجاز قرآن، وحی و نزول قرآن و تاریخ قرآن در آن روشن نشده است.

۳. دسته‌بندی بر اساس کاربردهای اضافی «فلسفه»

یکی از پژوهشگران با لحاظ کاربردهای اضافی واژه فلسفه، علوم قرآن را به سه بخش تقسیم می‌کند: ۱. فلسفه علوم قرآنی، ۲. فلسفه قرآن‌شناسی، ۳. علم مسائل قرآنی یا دانش نگرش قرآن به مسائل (ایزدپناه، ۱۳۷۹).

ایشان توضیح می‌دهد که در «فلسفه علوم قرآنی» از «مبانی و مبادی علوم قرآن» بحث می‌شود و مسائل آن «اصول موضوعه علوم قرآن» هستند؛ و فلسفه قرآن‌شناسی همان «مباحث علوم قرآنی به مفهوم کلاسیک آن» است که در آن «اصول و مبانی قرآن‌شناسی (نه علوم قرآنی) بحث می‌شود.» و موضوع آن، خود قرآن است و با معلوم خارجی که قرآن است سروکار داریم، و مراد از علم مسائل قرآنی، همان علم تفسیر است (همان).

نقد و بررسی

۱. در این تقسیم علوم قرآن به معنای عام مقسم قرار گرفته است و مستقیماً ناظر به دانش علوم قرآن نیست؛

۲. برای «مباحث علوم قرآنی به مفهوم کلاسیک آن» که همان دانش علوم قرآن است هیچ دسته‌بندی خاصی پیشنهاد نشده است.

۴. تقسیم‌بندی علوم قرآن از نظر سنخ مطالعات قرآنی

بنا بر آنچه برخی نویسندگان از احمد پاکتچی نقل کرده‌اند (فتح‌الهی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۳-۲۰۱)، ایشان در سمینار «جایگاه علوم قرآن در بین علوم» علوم قرآن را «از نظر سنخ مطالعه به چهار حیطه قابل تقسیم‌بندی» (همان، ص ۲۰۱) دانسته است که عبارت‌اند از:

۱. علوم مربوط به حوزه ضبط و نقد متن: مقصود از این دسته، مطالعاتی است که به «ضبط متن قرآنی» (همان) (مانند رسم الخط مصحف و قرائات) (همان) و «نقد» آن (مانند کاتبان وحی، جمع و تدوین قرآن، نظم و ترتیب آیات و سوره) (همان) مربوط می‌شود؛

۲. علوم مربوط به حوزه فهم و تفسیر قرآن: «مطالعات مربوط به» این حوزه را در «سه سطح قابل ارزیابی» هستند:

الف. سطح مقدماتی: در این سطح «علوم مقدماتی» تفسیر قرار می‌گیرد که «گاهی از سنخ زبان‌شناسی هستند؛ مثل: غریب القرآن، امثال القرآن و اسلوب‌های زبانی قرآن» (همان، ص ۲۰۲).

ب. سطح اصلی: «منظور از سطح اصلی در این حیطه خود تفسیر است» (همان)؛

ج. مطالعات درجه دوم: در این سطح می‌توان به نگارش کتاب‌هایی با عنوان اصول التفسیر اشاره کرد که مستقیماً به تفسیر قرآن نمی‌پردازند. این کتاب‌ها به عنوان ابزاری در اختیار مفسر قرار می‌گیرند و مطالعه درجه دوم درباره تفسیر به‌شمار می‌آیند. در سطحی بالاتر می‌توان به «علم طبقات المفسرین» نیز اشاره کرد (همان).

۳. علوم مربوط به اوصاف و رده‌بندی‌های قرآن: مطالعاتی که به «چگونگی و اوصاف و رده‌بندی‌های مربوط به متن می‌پردازد؛ علمی مثل فضائل القرآن، خواص القرآن، عد الآی، اسماء جمعی سوره» (همان)؛

۴. علوم پیرامونی قرآن (مطالعات درجه دوم درباره علوم قرآن): منظور از «مطالعات درجه دوم درباره علوم قرآن، این است که علوم قرآن را موضوع مطالعه یک علم دیگر قرار دهیم... و در آن موضوع، مسائل، تعاریف، رده‌بندی و روش‌شناسی علوم قرآن» (همان، ص ۲۰۳) را بررسی کنیم.

نقد و بررسی

۱. علوم قرآن در این دسته‌بندی به معنای عام لحاظ شده است؛ از این رو تفسیر قرآن در زمره علوم قرآن تلقی شده است؛

۲. در این دسته‌بندی ظاهراً تعیین ترتیب خاصی برای مباحث دانش علوم قرآن مورد نظر نبوده است؛ چراکه علوم مربوط به فهم و تفسیر قرآن پیش از شناخت اوصاف و رده‌بندی‌های قرآن قرار گرفته است، درحالی‌که مباحث مربوط به شناخت قرآن مقدم بر فهم و تفسیر آن است. نیز مطالعات درجه دوم هرچند عملاً این‌گونه است که پس از شکل‌گیری یک دانش پای به عرصه می‌نهد ولی در مقدمه آن دانش جای دارد، برای مثال هرچند بررسی موضوع و روش یک دانش از سنخ مطالعات درجه دوم است؛ ولی در مقدمه هر دانش و پیش از طرح مسائل بیان می‌شود؛

۳. گزارشگر دیدگاه ایشان توضیحی درباره مراد وی از «نقد متن» ارائه نکرده است و صرفاً به ذکر نمونه‌هایی از مباحثی که در حوزه نقد متن قرار می‌گیرند بسنده کرده است. پاکتچی در جایی دیگر نقد متن را متکفل پاسخ به دو پرسش درباره متن دانسته است: ۱. این متن چیست؟ (هویت متن)؛ ۲. مضامین این متن چقدر درست است؟ (اعتبار مضامین) (پاکتچی، ۱۳۹۱، ص ۲۶).

مراد وی از هویت متن آنچنان که در ادامه بیان می‌کند شناسایی صحت استناد متن به شخص خاص است؛ مثلاً وقتی درباره تاریخ طبری بررسی می‌کنیم که «آیا این تاریخی است که طبری نوشته یا اینکه ممکن است کتاب دیگری اشتهاً نام تاریخ طبری را به خود گرفته باشد و الان به ما معرفی می‌شود» (همان) درباره هویت متن بررسی می‌کنیم. نقد متنی که ناظر به پرسش از هویت متن باشد، نقد بیرونی (External criticism) نامیده می‌شود (همان، ص ۲۸). براین اساس همه مباحث مربوط به اثبات از سوی خدا بودن متن موجود قرآن شریف، و نفی شبهات تحریف، به‌ویژه تحریف به زیاده، مباحثی هستند که در حوزه نقد متن قرار می‌گیرند.

در پاسخ به پرسش دوم، ناقد در پی بررسی «مبانی و مطالب متن و درستی و نادرستی آنهاست» که نقد درونی (Internal criticism) نامیده می‌شود (همان).

روشن است که وقتی اثبات شد قرآن کتابی است از سوی خدای عالم و حکیم، سخن گفتن از بررسی درستی و نادرستی مطالب آن بی‌معناست و فرضاً اگر کسی بخواهد فارغ از الهی بودن قرآن و ویژگی‌های خدای سبحان درستی مطالب آن را بررسی کند، این کار در شمار بحث‌های علوم قرآن به معنای اصطلاحی قرار نمی‌گیرد.

دسته‌بندی ناظر به دانش علوم قرآن (دسته‌بندی مسائل علوم قرآن در ساحت‌های چهارگانه)

تا آنجا که پیگیری شد، تنها یک دسته‌بندی ناظر به علوم قرآن به عنوان یک دانش مستقل مطرح شده است که در ادامه آن را بیان می‌کنیم.

یکی از نویسندگان بر آن است که «مسائل علوم قرآنی را باید در چهار ساحت اصلی بررسی و مطالعه کرد» (ر.ک: نصیری، ۱۳۸۵؛ فتح‌الهی، ۱۳۸۹، ص ۶۰ و ۶۱) که عبارت‌اند از:

۱. مباحث ناظر به شناخت ماهیت قرآن: وی برای این ساحت «چگونگی وحی، نزول قرآن، محکم و متشابه، نسخ و منسوخ، اعجاز قرآن، اصالت متن، تحریف‌ناپذیری و زبان قرآن» (همان) را به عنوان مثال ذکر کرده است؛

تقسیم‌بندی پیشنهادی مباحث علوم قرآن

یکی از تقسیم‌های معروف و قدیمی، تقسیم علم به مبادی و مسائل است. مقصود از مسائل، مجموع قضایایی است که بیانگر عوارض ذاتی و مستقیم موضوع آن علم هستند. مبادی به دو دسته تصویری و تصدیقی تقسیم می‌شوند. مبادی تصویری «تعاریف و بیان ماهیت اشیای مورد بحث است» (مصباح، ۱۳۸۹، ج ۶-۳/۱، ص ۸۸) و مبادی تصدیقی، اصولی است که بررسی مسائل آن علم بر اساس آنها صورت می‌گیرد (ر.ک: کاظمی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۷؛ مصباح، همان؛ صالحی کرمانی، ۱۳۶۹، ص ۴۴-۳۲). مبادی تصویری هر دانشی در ابتدای آن علم یا در آغاز هر مبحث بیان می‌شود؛ ولی غالب مبادی تصدیقی در علوم دیگر مورد بحث قرار می‌گیرند (مصباح، همان).

مباحثی چون تعریف موضوع دانش، تعریف موضوعات و محمول‌های مسائل، بیان تاریخچه آن علم، روش تحقیق در آن و فواید آن علم از جمله مبادی علم هستند که معمولاً در آغاز علم کانون بحث قرار می‌گیرند. موضوعات مسائل معمولاً در آغاز هر باب شناسانده می‌شود.

مباحثی که در علوم قرآن مطرح می‌شوند نیز به مبادی و مسائل تقسیم می‌گردند؛ مباحثی مانند تعریف علوم قرآن، بیان فواید آن، ذکر تاریخچه علوم قرآن و سیر نگارش‌های آن از مبادی علوم قرآن هستند که در آغاز کتاب‌های علوم قرآنی بدانها می‌پردازند، و قضایایی چون «قرآن معجزه است»، «آیات قرآن به دو دسته محکم و متشابه تقسیم می‌شوند» و «قرآن دارای تأویل است» از مسائل علوم قرآن هستند که در مباحث مربوط به خود اثبات می‌شوند. تعریف موضوعات و محمول‌های مسائل که در آغاز هر مبحث صورت می‌گیرد نیز از مبادی این دانش هستند. برای مثال در آغاز بحث «محکم و متشابه»، احکام و تشابه معنا می‌شود و مراد از محکم و متشابه بیان می‌گردد (ر.ک: صالحی کرمانی، ۱۳۶۹، ص ۵۹-۵۱).

در تقسیمی که ذکر شد، ترتیب مباحث علوم قرآن در حدی کلی مشخص شد؛ به این معنا که مباحثی همچون تعریف، موضوع و پیشینه علوم قرآن مقدم بر مسائل خواهند بود؛ ولی تقسیم و ترتیب درباره مسائل این دانش بیان نشد. در ادامه دسته‌بندی‌ای برای علوم قرآن ارائه می‌کنیم که در آن ترتیب تاریخی و منطقی لحاظ شده است. برای مثال مباحث مربوط به شناخت ماهیت قرآن که موضوع دانش علوم قرآن هستند، بلافاصله پس از شناخت مباحث مقدماتی مربوط به این دانش قرار می‌گیرند که منطقاً از جایگاهی درست برخوردارند؛ زیرا برای بررسی هر چیزی و بحث درباره آن نخست باید ماهیت آن را شناخت، و پس از بررسی مباحث مربوط به شناخت ماهیت قرآن، ذیل عنوان تاریخ قرآن به تاریخ این کتاب در گذر زمان پرداخته می‌شود و...

۲. تحولات تاریخی مربوط به قرآن: ایشان «شناخت تاریخ کتابت و تدوین قرآن و مراحل شکل‌گیری قرآن به شکل کنونی، تاریخ تفسیر، ترجمه و چاپ و تذهیب قرآن» (همان) را «از جمله مباحث تاریخی قرآن» برمی‌شمارد؛

۳. مبانی فهم و تفسیر قرآن: وی «مباحث الفاظ در علوم قرآن، ادبیات قرآنی، معانی، بیان و بدیع، اسباب النزول» (همان) را از جمله مباحثی دانسته که «در خدمت فهم و تفسیر قرآن به کار می‌آیند» (همان)؛

۴. فعالیت‌ها و مطالعات انجام‌شده در زمینه قرآن: این محقق، «مطالعه و بررسی پژوهش‌های انجام‌یافته در زمینه علوم قرآن و رویکردهای ایجابی یا سلبی خاورشناسان به قرآن» (همان) را مباحث این ساحت برشمرده است.

نقد و بررسی

۱. در این دسته‌بندی تنها «مسائل علوم قرآن» مد نظر قرار گرفته، درحالی‌که مباحثی که دانش از جمله دانش علوم قرآن، شامل برخی از مبادی همانند تعریف، روش‌شناسی و تاریخچه علوم قرآن است. در بیان دسته‌بندی منتخب این مطلب را بیشتر توضیح خواهیم داد؛

۲. ذکر تاریخ تفسیر و نیز تاریخ ترجمه در «مباحث تاریخی قرآن» و به تعبیر مناسب‌تر «تاریخ قرآن» صحیح نیست؛ زیرا اینها از مباحث تاریخی مربوط به تفسیر و ترجمه قرآن هستند نه قرآن؛

۳. آنچه به تفسیر قرآن ارتباط می‌یابد منحصر در «مبانی فهم و تفسیر» نیست، و جایگاه مناسبی برای دیگر مباحث مربوط به تفسیر قرآن مانند روش تفسیر، روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، و منابع تفسیر در این دسته‌بندی لحاظ نشده است؛

۴. شمارش معانی، بیان و بدیع در علوم قرآن موجه نیست؛ زیرا این علوم اختصاصی به قرآن ندارند؛ گرچه در سایه قرآن و به عنوان دانش‌هایی که معیارهای سنجش فصاحت و بلاغت قرآن نسبت به دیگر متون را ارائه می‌دهند به وجود آمده‌اند (طباطبایی، ۱۳۶۱، ص ۱۱۰ و ۱۱۱). در هر حال اینها اختصاص به قرآن ندارند. درخور توجه اینکه این محقق خود تصریح کرده که اضافه در «علوم القرآن» از نوع اضافه اختصاصیه است و مراد از علوم قرآن دانش‌هایی است که «به قرآن اختصاص دارند» (همان، ص ۲۲۳).

الف. مباحث مقدماتی علوم قرآن، شامل بحث‌هایی مانند تعریف علوم قرآن، روش علوم قرآن، تاریخچه علوم قرآن، فواید شناخت علوم قرآن و ارتباط علوم قرآن با دیگر علوم. همان‌گونه که بیان شد، این مباحث بخشی از مبادی علوم قرآن هستند؛

ب. مباحث مربوط به شناخت ماهیت، ویژگی‌ها و اوصاف قرآن: مباحثی مانند وحی و نزول قرآن، وحیانی بودن الفاظ قرآن، اعجاز قرآن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، فضائل قرآن، تناسب آیات و سوره‌ها، جامعیت قرآن، عناوین قرآن، وحدت موضوعی سوره‌ها، تحریف‌ناپذیری قرآن و زبان قرآن؛

ج. تاریخ قرآن، شامل حفظ قرآن، کتابت قرآن، مصاحف صحابه، تدوین قرآن، رسم‌الخط قرآن، شکل و نقط قرآن؛

د. مباحث مربوط به الفاظ قرآن، شامل بحث قرائت، تجوید، آداب قرائت قرآن، غریب القرآن، وجوه و نظایر، واژگان غیرعربی، واژگان غیرحجازی، فواصل آیات، تعداد سوره‌ها، آیات، کلمات و حروف قرآن، دسته‌بندی سوره‌ها، مبهمات القرآن، مجمل، مبین، عام، خاص، مترادف، مشترک، حقیقت و مجاز.

هـ. مباحث مربوط به فهم و تفسیر قرآن، شامل:

۱. مفهوم‌شناسی: تعریف تفسیر، تعریف تأویل، تعریف ظاهر و باطن؛

۲. روش‌شناسی تفسیر: مبانی تفسیر، روش تفسیر و مراحل تفسیر؛ که روش تفسیر خود دربردارنده قواعد تفسیر، منابع تفسیر، علوم مورد نیاز برای تفسیر و شرایط مفسر است؛

۳. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛

۴. مکاتب و جریان‌های تفسیری؛

۵. تاریخ تفسیر؛

و. مباحث مربوط به ترجمه قرآن: ۱. امکان و روایی ترجمه قرآن، ۲. قواعد ترجمه قرآن،

۳. آسیب‌های ترجمه قرآن و ۴. تاریخ ترجمه قرآن.

خلاصه و نتیجه‌گیری

۱. نخستین تنویع مباحث علوم قرآن را امیر مؤمنان علی علیه السلام انجام داده است؛

۲. ابوعبید در *فضائل القرآن* مباحث را ذیل پنج عنوان جامع ذکر کرده، ولی کتاب مزبور همه مباحث علوم قرآن را دربر نمی‌گیرد و بیشتر مباحث آن درباره فضایل مجموع قرآن، فضایل سوره‌ها و آیات است؛

۳. *فنون الأفتان فی عیون علوم القرآن* ابن جوزی در چهارده باب مباحث متنوعی از دانش علوم قرآن را دربردارد. ابن جوزی دسته‌بندی خاصی را برای مباحث مطرح نکرده است، ولی می‌توان بیشتر آنها را در چهار بخش قرار داد؛

۴. *البرهان* زرکشی مشتمل بر ۴۷ نوع است، ولی هیچ دسته‌بندی خاصی در آن وجود ندارد؛

۵. جلال‌الدین بلقینی در *مواقع العلوم من مواقع النجوم* مباحث علوم قرآن را در شش بخش دسته‌بندی و بیان کرده است، ولی خود اعتراف می‌کند که دسته‌بندی‌اش ناقص است و برخی از مباحث علوم قرآن در بخش‌های مزبور نمی‌گنجند؛

۶. جلال‌الدین سیوطی در *التحییر* که تکمیل *مواقع العلوم* بلقینی است، دسته‌بندی بلقینی را ملاک قرار داده و در *الاتقان* نیز تلاش کرده دسته‌بندی بلقینی را دنبال کند، ولی در این امر موفق نبوده است؛ ۷. بیشتر دسته‌بندی‌هایی که اندیشمندان و محققان متأخر از مباحث علوم قرآن ارائه کرده‌اند، ناظر به علوم قرآن به معنای عام هستند و بیشتر آنها درخور مناقشه و اشکال‌اند؛

۸. یکی از محققان کوشیده است تا مسائل علوم قرآن را در ساحت‌هایی چهارگانه دسته‌بندی کند که در این دسته‌بندی تا حدی موفق بوده است؛ هرچند این تقسیم نیز نواقصی دارد و اشکالاتی بر آن وارد است؛

۹. مباحث علوم قرآن را می‌توان به دو بخش کلی مباحث مقدماتی و مباحث اصلی که عمدتاً مسائل علوم قرآن هستند تقسیم کرد. در این دسته‌بندی پس از مباحث مقدماتی علوم قرآن، مباحث اصلی علوم قرآن ذیل عناوین زیر که میان آنها ترتیب تاریخی یا منطقی برقرار است بیان می‌شوند: الف. مباحث مربوط به شناخت ماهیت، ویژگی‌ها و اوصاف قرآن، ب. تاریخ قرآن، ج. مباحث مربوط به الفاظ قرآن، د. مباحث مربوط به فهم و تفسیر قرآن، هـ. مباحث مربوط به ترجمه قرآن.

پی‌نوشت‌ها

۱. این مجموعه با تقدیم و تأخیر و کمی فزونی از طریق سعد بن عبدالله اشعری هم نقل شده است و علی بن ابراهیم قمی در آغاز تفسیرش مختصری از آن را آورده است. نیز بعینه در کتابی به نام «المحکم و المشابه» که منسوب به سید مرتضی است با مشخصات کتاب‌شناختی: السید المرتضی علم‌الهدی، رساله المحکم و المشابه المعروف بتفسیر النعمانی، قم، دار النبیستری للمطبوعات چاپ شده است (رک: صدر، بی‌تا، ص ۳۳۴، مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۰، ص ۹۰، ۹۷، نوری، بی‌تا، ص ۲۶۵، استادی، ۱۳۷۱) (مقاله ششم با عنوان تفسیر نعمانی؛ موسوی‌جنوردی، ۱۳۸۳، ج ۱۵، ص ۷۵۳ و ۷۵۴).
۲. ابوعبید در فضائل القرآن به مثابه محائین عمل کرده و به نقل روایات مستند از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صحابه و تابعان در ابواب مختلف پرداخته است و خود در موارد لازم که البته بسیار نیست به شرح و توضیح برخی کلمات، یا جمله‌ها یا مقصود روایات می‌پردازد و یا در آنجا که روایات اختلاف دارند نظری ارائه می‌کند.

منابع

- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، بی تا، *فنون الافنان فی عیون علوم القرآن*، تحقیق: حسین ضیاءالدین عتر، بیروت، دار البشائر.
- ابن سلام، ابوعبید قاسم، ۱۴۱۵ق، *فضائل القرآن*، دمشق، دار ابن کثیر.
- استادی، رضا، ۱۳۷۱، *چهل مقاله*، قم، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- ، ۱۳۸۳، *آشنایی با تفاسیر به ضمیمه مسئله عدم تحریف قرآن و چند بحث قرآنی*، چاپ سوم، تهران، قدس.
- ایزدینا، عباس، ۱۳۷۹، «بانی روش شناسی علوم قرآنی»، *صحیفه مبین*، ش ۲۲، ص ۴۴ و ۴۵.
- بلقینی، جلال الدین عبدالرحمن بن عمر، بی تا، *مواقع العلوم فی مواقع النجوم*، تحقیق: انور محمود المرسسی خطّاب، طنطا، دار الصحابة للتراث.
- پاکتچی، احمد، ۱۳۹۱، *تقدم متن*، تنظیم و ویرایش: صالح زارعی، تهران، دانشگاه امام صادق ع.
- حکیم، سیدمحمدباقر، ۱۴۱۷ق، *علوم القرآن*، چ سوم، قم، مجمع الفکر الاسلامی.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم، ۱۴۱۷ق، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت، المكتبة العصرية.
- زرکشی، بدرالدین محمدبن عبدالله، ۱۴۱۵ق، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، جمال حمدی ذهبی و ابراهیم عبدالله کردی، چ دوم، بیروت، دار المعرفة.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۳۶۳، *الاتقان فی علوم القرآن*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، چ دوم، قم، بیدار.
- ، ۱۴۲۱ق، *التحیر فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار الفکر.
- صالحی کرمانی، محمدرضا، ۱۳۶۹، *درآمدی بر علوم قرآنی*، تهران، جهاد دانشگاهی.
- صبحی صالح، ۱۹۹۰م، *مباحث فی علوم القرآن*، چ هیجدهم، بیروت، دار العلم للملایین.
- صدر، سیدحسن، ۱۳۳۱ق، *الشیعة و فنون الاسلام*، صیدا، مطبعة العرفان.
- ، بی تا، *تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام*، تهران، اعلمی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۱، *قرآن در اسلام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- عتر، نورالدین، ۱۴۱۶ق، *علوم القرآن الکریم*، چ ششم، دمشق، مكتبة الصباح.
- فتح الهی، ابراهیم، ۱۳۸۹، *متدولوژی علوم قرآنی*، چ دوم، تهران، دانشگاه امام صادق ع.
- کاظمی، محمدعلی، ۱۴۱۴ق، *فوائد الأصول* (تقریرات خارج اصول مرحوم نائینی)، قم، جامعه مدرسین.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، چ سوم، بیروت، دار الاحیاء للتراث العربی.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۹، *مشکات*، ج ۶-۳/۱ (آموزش فلسفه، ج ۱)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۸، *علوم قرآنی*، قم، مؤسسه انتشاراتی التمهید.

موسوی بجنوردی، محمد (به کوشش)، ۱۳۸۳، *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.

موسوی دارابی، سیدعلی، ۱۳۸۰، *نصوص فی علوم القرآن*، مشهد، جمع البحوث الاسلامیة.

مهدوی راد، محمدعلی، ۱۳۷۹، *سیر نگارش های علوم قرآنی*، تهران، نمایشگاه بین المللی قرآن کریم.

نجاشی، احمدبن علی، ۱۴۱۸ق، *رجال النجاشی*، تحقیق: سیدموسوی شبیری زنجانی، چ ششم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.

نصیری، علی، ۱۳۸۵، «فلسفه علوم قرآنی»، *قیسات*، ش ۴۰-۳۹، ص ۲۴۴ و ۲۲۵.

نوری، حسین، بی تا، *خاتمه مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل البيت ع، دار احیاء التراث.